

متن پرسش

با سلام و عرض ادب: با توجه به اینکه فتنه های آخرالزمان دارد با سختی عجیبی به سمت مان سرازیر می شود و اینکه تا همین یکسال قبل تصور این شرایط سنگین نیز برایم محال بود؛ واقعا الان چه باید کرد؟ از دولتهایی که برای نسل ما یعنی دهه هشتادی ها هیچ برنامه ریزی ای نکرده اند و نمی کنند و همچنان بی خاصیت، در حال گذران هستند؛ تا هجوم آماج رسانه ای از داخل و خارج و دوست و دشمن!!! شرایط بسیار پیچیده ای برای ما جوانان به وجود آمده است. در کلاسهای درسی مان را که نگاه می اندازیم می بینیم که از ۲۵ نفر دانش آموزی که هستند تنها و تنها ۵ نفر از آنها، واقعا انقلابی هستند (البته خداوند به ما رحم کند تا بتوانیم در مسیر مقدس شهدا همچنان ثابت قدم باشیم).

درست است که گروه کوچکی به گروه بزرگی به پیروزی می رسند و این وعده قرآنی است ولی آنهایی هم که قرابتی با انقلاب ندارند فرزندان همین ایران خودمان هستند کدام فعل ما باعث رنجش آنها شده است؟ همه آنها که از سر لجبازی با انقلاب مشکل ندارند! ما تازه وارد اجتماع شده ایم و این حجم از فشار واقعا طاقت مان را کاهش داده است. توصیه جامع شما چیست؟ واقعا ما از معارف ناب، تحلیل های مؤثر و رسانه های جذاب محرومیم و در تنگنا قرار داریم. دوست هم نداریم (ابدا) که از مسیر مستقیم انقلاب اسلامی خارج بشویم. به عنوان یک جوان ایرانی عرض می کنم که دوست ندارم از مسیر مستقیم انقلاب اسلامی خارج بشوم گویی همیشه باطل جذاب تر می نمایاند پس چرا عصای موسی نمی آید که با اعجاز الهی اش ساز و کار باطل را ببلعد؟ منظورم اصلا اعتراض به امر الهی نیست! هر چه خدا خواست همان می شود. اما بالاخره ما باید بتوانیم کار کنیم، مسئله هایمان را بشناسیم، تلاش کنیم و آنها را مرتفع سازیم معارف مان چه باشد؟ روش بهره برداری مان چگونه باشد؟ وظیفه مان چیست؟ این تشنگی و این ولع مان را چگونه پاسخ دهیم؟ واقعا چرا اینقدر باید احساس تنهایی بکنیم در صورتیکه در ۲۲ بهمن میلیونها نفر به خیابانها می آیند؟ گویی تنها گذاشتگان تاریخیم عمل به سخن رهبری چگونه باید باشد؟ ما که در سخن حاضریم جانمان را هم فدای ایشان و آرمان ایشان بکنیم ان شاء الله در عمل هم چنین باشد ولی فهم جامع و کامل سخنان ایشان برایمان دشوار است. فهم کلام ولی خدا نیاز به ترجمه دارد مفسری بیاید و بگوید و کشف کند تا ما جوانان گام دوم انقلاب، تهی از مبانی نباشیم والله سخت است. ولی امیدواریم که «إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا» متأسفانه خوبان این زمانه به جوانان اهمیت چندانی نمی دهند. (شما تنها کسی هستید که من می شناسم و می توانم به عنوان یک راهنما، پیر، مرشد و استاد به او اعتماد کنم. من از نظر معرفتی در فقر به سر می برم و همین فقر باعث شده که تشنگی ای برای معارف داشته باشم؛ لذا واقعا از سر صدق با شما

گفتگو می‌کنم و انتظار دارم که آن الهام الهی که به قلب تان می‌رسد، آن اشراق قدسی را به طور شفاف
برایم بیان کنید. هر چند من شاید دلم برای درک آن مبانی آماده نباشد اما شاید یک دل آماده این
سؤال را بخواند و پرواز کند.) با تشکر □

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: در این که باید به خود آییم و جوانان خود را با ظرفیت گسترده‌ای که دارند،
درست درک کنیم و در این مورد کوتاهی‌هایی داشته‌ایم؛ بحثی نیست. بحث در آن است که امثال شما
که از همین نسل هستید، چگونه با وقار و فهم و حکمت، خود را نشان دهید که با سبکی که از شما
می‌بینند بقیه جوانان نیز به خود آیند که گمشده خود را در چه شخصیت‌هایی باید بیابند و چگونه از
سلبریتی‌های آن‌چنانی فاصله بگیرند. در این صورت است که جوانان ما با سعه صدری که در امثال
شما و بخصوص با کلیت بیشتر در رهبر معظم انقلاب می‌بینند؛ نه تنها انگیزه مخالفت‌شان کم می‌شود،
بلکه متوجه می‌شوند برای عبور از امپراطوری توهم باید به حقیقتی نظر کنند که در دل انقلاب اسلامی
به ظهور آمده است. عرایضی در رابطه با آینده انقلاب اسلامی در این تاریخ تحت عنوان «راز امیدواری
به آینده در تاریخ انقلاب اسلامی» شده است. امید است که مفید افتد. موفق باشید

<https://eitaa.com/matalebevijeh/11872>